

پیش بینی بهزیستی روانشناختی و سازگاری اجتماعی بر اساس الگوی ارتباط والد-فرزند در نوجوانان با والدین مطلقه
در شهر همدان

زینب ربانی، استادیار گروه روانشناسی، موسسه آموزشی طلوع مهر قم

نویسنده مسول

rabbanimz961@mums.ac.ir.

مهناز نعمتی، کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی اسلامی، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر پیش بینی بهزیستی روانشناختی و سازگاری اجتماعی بر اساس الگوی ارتباط والد - فرزند در نوجوانان با والدین مطلقه در شهر همدان می باشد. طرح تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است. بدین منظور با مراجعه به مراکز بهزیستی تعداد ۲۶۰ نوجوان با والدین مطلقه در شهر همدان به روش نمونه گیری تصادفی دو مرحله ای انتخاب و به پرسشنامه های بهزیستی روانشناختی (ریف، ۲۰۰۲)، پرسشنامه سازگاری اجتماعی دانش آموزان (سینها و سینگ، ۱۹۹۳) و پرسشنامه الگوی ارتباط والد- فرزند (باقری، ۱۳۹۱) پاسخ دادند. داده های پژوهش با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و روش تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج نشان داد از بین مولفه های الگوی ارتباط والد- فرزند، مولفه های رسمیت، تزلزل، نازپروردگی و درهم تنیدگی بهزیستی روانشناختی نوجوانان را به طور منفی پیش بینی کردند. همچنین از بین مولفه های الگوی ارتباط والد- فرزند، تنها مولفه کنترل توانست سازگاری اجتماعی نوجوانان را به طور منفی پیش بینی کند. بنابراین نتیجه می شود در خانواده های طلاق، نحوه ارتباط والد سرپرست، بر بهزیستی روانشناختی و سازگاری نوجوانان تاثیر می گذارد و هرچه سبک والدگری سهل گیرتر، بدون قاعده و یا سرد و رسمی باشد بهزیستی روانشناختی نوجوانان کمتر می شود. همچنین کنترل و نظارت افراطی موجب کاهش سازگاری آنها می شود.

کلمات کلیدی: الگوی ارتباط والد - فرزند، بهزیستی روانشناختی، سازگاری اجتماعی، نوجوان، طلاق

مقدمه

خانواده به عنوان نخستین واحد اجتماعی که کودک و نوجوان با آن سرو کار دارد، نقش اصلی و سازنده را در تکوین شخصیت آینده آنها به عهده دارد. ساختار و عملکرد خانواده نخستین و پایدارترین عامل تاثیرگذار بر رشد روانی فرزندان بوده و موجب رشد عاطفی، اجتماعی و اخلاقی و عملکرد تحصیلی آنان می شود، لذا سلامت روانی فرزندان مستلزم تحکیم بنیان خانواده می باشد. وقتی افراد ازدواج می کنند با این قصد این کار را انجام می دهند تا همیشه باهم باشند اما در کشورهای امریکایی نیمی از ازدواجها به طلاق منجر می شود. (پارکر و همکاران، ۲۰۲۰). مطالعات نشان می دهد که طلاق والدین بر روی ابعاد روانی، شناختی، اجتماعی، اخلاقی، هیجانی، شخصیتی، دینی فرزندان تاثیر می گذارد.

(اسماعیل، ۲۰۲۱) و در واقع طلاق والدین بر روی رفتارهای اجتماعی فرزندان تأثیر گذار است (اقبال و همکاران، ۲۰۲۱).

طلاق به عنوان یکی از مهمترین عوامل تزلزل پایه های خانواده، پیامدهای مخربی را برای اعضای خانواده به همراه دارد. فرزندان به عنوان اولین قربانیان این پدیده ناخوشایند، بر حسب سن و طول مدت تنش قبل از طلاق و اثرات محرومیت از والد جدا شده، دچار مشکلات روان شناختی مختلفی از جمله مشکلات رفتاری، عاطفی، کاهش عزت نفس، روابط بین فردی و افت تحصیلی می شوند (آماتو، ۲۰۰۱). اثرات منفی طلاق بر رشد عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و عملکرد تحصیلی فرزندان در تحقیقات نشان داده شده است (چارلز، ۲۰۱۱؛ هلن و میلر، ۲۰۱۰؛ کاظمیان و اسماعیلی، ۱۳۹۱). علیرغم اینکه طلاق منجر به از هم پاشیدگی کانون خانواده شده و تأثیرات زیانباری برای زوجین و فرزندان دارد، این پدیده در بسیاری از کشورها روبه افزایش است.

بر اساس آمار منتشرشده درمورد ازدواج و طلاق در سال ۲۰۱۰، روسیه با بیشترین نرخ طلاق، ۵ مورد به ازای هر ۱۰۰۰ نفر از جمعیت در این کشور، مقام اول را داشته، در حالی که بلاروس با ۳/۸، اوکراین ۳/۶، مولداوی ۳/۵، جزایر کیمن و ایالات متحدهی امریکا ۳/۴، برمودا ۳/۳، کوبا ۳/۲ و لیتوانی ۳/۱ در رده های بعدی قرار داشتند. بر طبق آمارها میزان طلاق در ایران نیز در سال های ۱۳۸۵ تا کنون به طور پیوسته در حال افزایش بوده و از ۹۴ هزار طلاق در سال ۱۳۸۵ به ۱۱۰ هزار در سال ۸۷، ۱۳۷ هزار در سال ۸۹ و ۱۵۸ هزار در سال ۹۲ رسیده است (ابراهیمی، ۱۳۹۵). با توجه به افزایش نرخ طلاق در جهان و به موازات آن در ایران، نوع برخورد جامعه با این موضوع و آسیب های بعد از آن در جامعه ایرانی نگرانی هایی به وجود آورده است. بر این اساس مطالعات و پژوهش های زیادی نظیر تحقیق عبدی، پور ابراهیم و نظری (۱۳۹۲)؛ زرگر و نشاط دوست (۱۳۸۶)، ریاحی و همکاران (۱۳۸۶)، بلوردی، بلوردی، آقاجانی، (۱۳۹۴)، ناظمی زاده اردکان (۱۳۸۵)، زارعان، سدیدپور (۱۳۹۵)، مشکی و همکاران (۱۳۸۰)، غیائی، معین، روستا، (۱۳۸۸)، اسحاقی و همکاران (۱۳۹۱) و محمودی (۱۳۸۰)، در زمینه ی سبب شناسی، آثار و پیامدهای طلاق صورت گرفته که نتایج آنها موجب دسترسی به اطلاعات دقیق تر و علمی تری در مورد فرآیند طلاق و آثار زیانبار آن شده است. اما همچنان به منظور یافتن راهکارهای سودمند برای کاهش تبعات سوء طلاق بر زوجین، و به خصوص بر فرزندان، نیاز به تحقیقات بیشتری در این حوزه هست.

بر اساس یافته های تحقیقات قبلی می توان گفت که طلاق و جدایی والدین در سالهای اولیه باعث بوجود آمدن طرحواره های ناسازگار در فرزندان می شود. حضور والدین با هم بر رشد اجتماعی، عاطفی و روانی تأثیری به سزا دارد از اینرو فرزندان طلاق از کم ترین حمایت و توجه اجتماعی برخوردارند. لذا عدم حضور والدین باعث به هم خوردن سازگاری اجتماعی و عاطفی شده (گانتی، ۲۰۰۸) و بهزیستی روانشناختی آنها را به خطر میاندازد. در فراتحلیلی که یحیی زاده و حامد (۱۳۹۴) برای بررسی مسائل فرزندان طلاق و پیامدهای مهم انجام دادند نتایج نشان دهنده وضعیت نامناسب فرزندان طلاق در شاخص های سلامت روان و زیر مقیاس های آن (نشانه های روان تنی، اضطراب و بی خوابی، ناکارآمدی اجتماعی و افسردگی)، همچنین سازگاری با افراد و محیط اطراف، عزت نفس و .. بود (یونسی و همکاران، ۱۳۸۹؛ حیدر نیا و همکاران، ۱۳۸۴، شهنی و همکاران، ۱۳۹۰؛ رئیس و همکاران، ۱۳۹۱). بر اساس یافته های به دست آمده وضعیت سلامت روان فرزندان طلاق از فرزندان یتیم نیز نامطلوب تر بود (شریفی، ۱۳۸۹) و این

کودکان فشارهای روانی بیشتری متحمل می شوند. همچنین بر اساس نتایج فرزندان طلاق در زمینه های جسمی، شخصیتی، عاطفی، خانوادگی و تحصیلی و اقتصادی شرایط نامناسب تری را تجربه می کنند. جدایی والدین بر ویژگی های عاطفی و شخصیتی آن ها چنان اثر می گذارد که از سویی منجر به افزایش اضطراب، گوشه گیری، پرخاشگری، بهانه گیری، انتقام جویی، بی رحمی، غمگین بودن، زودرنجی، بیزاری از زندگی، فرار از منزل، شک و تردی، تمایل به ازدواج زودهنگام و احساس بیماری می شود. از سوی دیگر اعتماد به نفس، کنجکاو ی ، و سرزندگی آن ها کاهش می دهد (درویزه، ۱۳۷۱). این آسیب ها به ویژه برای فرزندان نوجوان که در شرایط بحرانی و مشکلات دوران بلوغ به سر می برند وضعیت حادثتری دارد. سازگاری نوجوانان با خانواده به ویژه اعضای ناتنی کاهش می یابد. به طوری که این فرزندان ترجیح می دهند مشکلات خود را با اعضای خانواده در میان نگذارند و به دوستان و گروه های همسال پناه ببرند. یکی از متغیرهای مهم و تاثیرگذار در سلامت روانی فرزندان طلاق، میزان سازگاری آن ها می باشد (قمری گیوی، و خشنودنیای چماچی، ۱۳۹۵؛ ربیور، ۲۰۰۶). سازگاری به خصوصیات فردی که هر شخص برای مدیریت روانی -

اجتماعی برای بهبود زندگی خود به کار می برد اطلاق می گردد (مجلسی و همکاران، ۲۰۱۳). رحیم نیا و رسولیان (۱۳۸۵) سازگاری را مفهومی عام می-دانند که همه راهبردهای اداره کردن موقعیت های استرس زای زندگی، اعم از تهدیدات واقعی و غیرواقعی را شامل می شود. هرگاه تعادل جسمی و روانی فرد به گونه ای دچار اختلال شود که ناخوشایندی به وی دست دهد، برای ایجاد توازن نیازمند به کارگیری نیروهای درونی و حمایت خارجی است، در این صورت اگر در به کارگیری سازوکارهای جدید موفق شود و مسئله را به نفع خود حل کند، فرایند سازگاری ایجاد شده است. ابعاد سازگاری شامل سازگاری اجتماعی، عاطفی، جسمانی و اخلاقی است که در رأس همه ، سازگاری اجتماعی قرار دارد؛ به طوری که این سازگاری پیش درآمد رسیدن به سازگاری عاطفی و اخلاقی تلقی می شود (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۵). تجربه ی طلاق سازگاری افراد را در تمام ابعاد روانشناختی، جسمانی، اجتماعی و هیجانی تحت تاثیر قرار می دهد و باعث کاهش ناکارآمدی اعضای خانواده پس از طلاق می شود (هلن و میلر، ۲۰۱۰). نتایج مطالعات حاکی از اثر سوء طلاق بر سازگاری فرزندان و بویژه سازگاری اجتماعی آنهاست (حبیبی و ساجدی، ۱۳۸۵). با توجه به اهمیت سازگاری فرزندان طلاق در این پژوهش این متغیر مورد بررسی قرار می گیرد. بخش گسترده ای از مطالعات طلاق، بر سلامت روانی فرزندان طلاق متمرکز بوده است. نتایج این تحقیقات نشان دهنده سلامت روانی پایین تری در این فرزندان بوده که بر اساس آن مداخلات درمانی و راهکارهای مختلفی در قالب آموزش مهارت ها به فرزندان و والد سرپرست آنها ارائه شده است (شهنی و همکاران، ۱۳۹۰؛ جانسون، ۲۰۱۰؛ پاتر، ۲۰۱۰).

در سال های اخیر در روانشناسی مثبت گرا رشد استعدادها و توانمندی های انسان مورد توجه زیادی قرار گرفته است. هدف نهایی در این رویکرد شناسایی سازه ها و شیوه هایی است که بهزیستی و شادکامی انسان را به دنبال دارد. از این رو عواملی که سبب سازگاری هرچه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدهای زندگی می شود از بنیادی ترین سازه های مورد پژوهش در این رویکرد می باشد. بهزیستی روانشناختی به عنوان یکی از مولفه های اصلی سلامت عمومی و رضامندی در خلال دو دهه گذشته توجه بسیاری از روانشناسان و محققان را به خود جلب کرده است (کاپلن، تات گوتیر، سارغلو و فردریکسون، ۲۰۱۶). بهزیستی روانشناختی به کلیه فرایندهایی اشاره دارد که باعث رضایت کلی فرد از زندگی می شود تا فرد روحیه بهتری داشته باشد و با آرامش زندگی کند. همچنین بهزیستی روانشناختی به معنای قابلیت

یافتن تمام استعدادهای فرد، داشتن نگرش مثبت نسبت به خود، پذیرفتن جنبه های مختلف خود، و داشتن احساس مثبت نسبت به زندگی گذشته است (بهارى و فرکیش، ۱۳۸۸). ریف (۲۰۱۴) بهزیستی روانی را به عنوان احساس سلامتی و تندرستی در نظر می گیرد که آگاهی از تمامیت و یکپارچگی همه جنبه های وجود است و شش مولفه برای این سازه تعریف کرده است. این مولفه ها عبارتند از ۱- پذیرش خود، که به معنای داشتن نگرش مثبت در مورد خود می باشد. رینر (۱۹۶۴) تاکید داشت که آگاهی از کاستیهای خود و نیز پذیرش اشتباهات خویش، یکی از مشخصه های بسیار مهم داشتن شخصیتی کامل و تکامل یافته است، ۲- هدف و جهت گیری در زندگی، توانایی پیدا کردن معنا و جهت گیری در زندگی، و داشتن هدف و دنبال کردن آنها، که تمامی اینها در تقابل با خوشبختی قرار دارند، از وجوه مهم بهزیستی هستند. ۳- رشد شخصی، یا توان شکوفا ساختن کلیه نیروها و استعدادهای خود. ۴- تسلط بر محیط، از کلیدهای رسیدن به بهزیستی، تحت کنترل داشتن جهان پیرامون است. یعنی هر کسی باید بتواند تا حد زیادی بر زندگی و محیط اطرافش تسلط و احاطه داشته باشد و این کار در گرو این است که فرد محیطش را مطابق خصوصیات و نیازهای فردی خود شکل دهد و بتواند آن را به همان شکل نگه دارد. ۵- خود مختاری، به این معناست که فرد بتواند بر اساس معیارها و عقاید خویش عمل و زندگی کند، حتی اگر برخلاف عقاید و رسوم پذیرفته شده در جامعه باشد. و ۶- روابط مثبت با دیگران که عبارت است از توانایی برقراری روابط نزدیک و صمیمی با دیگران و اشتیاق برای برقراری چنین رابطه ای و نیز عشق ورزیدن به دیگران. این جنبه اجتماعی- ارتباطی بهزیستی، در بر گیرنده بالا و پایین شدن های روابط و تعاملات اجتماعی و بین فردی است. مطالعات مختلف نشان دهنده این است که سازه های مثبت از جمله بهزیستی روانشناختی نه تنها از عوامل نگهدارنده سطح عملکرد بهینه فرد هستند بلکه به مشارکت بیش تر و موثرتر در فرایند رویارویی با موقعیت های دشوار زندگی منجر می شوند و در نتیجه عوامل محافظتی بیشتری را فراهم می آورند. ارتقاء بهزیستی روانشناختی بخصوص در گروههایی که بهزیستی پایینی دارند و یا در معرض خطر هستند ضرورت دارد تا در جهت ارتقاء بهزیستی و سلامت روانی آنها برنامه ریزی های مناسبی صورت گیرد. بر این اساس ارتقا سطح بهزیستی روانشناختی در مورد فرزندان طلاق به ویژه جهت مصون سازی آنها از آسیب های ناشی از طلاق، به شدت مورد تاکید می باشد.

فرزندان در طول فرایند طلاق بهزیستی روانی خیلی کمی دارند(رادتسکی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱).

در مطالعات معدودی بهزیستی روانشناختی فرزندان طلاق بررسی شده است (صرامی، ۱۳۹۴؛ کرمی، دهقانی و سعادت زاده، ۱۳۹۴، بریور، ۲۰۰۶). و نیاز به تحقیقات بیشتری در این رابطه می باشد. بر این اساس در پژوهش حاضر بهزیستی روانشناختی این فرزندان و عوامل موثر بر آن بررسی می شود. از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر سلامت روان، بهزیستی روانشناختی و سازگاری اجتماعی فرزندان، ارتباط آنها با والدینشان می باشد (تقی زاده، اقدستا و بشارت، ۱۳۹۴؛ فخاری، فرورشی و قریش زاده، ۱۳۸۶). این ارتباط در ادبیات پژوهشی تحت عنوان سبک های فرزندپروری مطرح می باشد. هر خانواده ای با توجه به ویژگی های پدر و مادر و تقاضاهای آنها و پاسخدهی فرزندان، شیوه های تربیتی و فرزندپروری ویژه ای را انتخاب می کند که با رفتارها و ویژگی های خاص در فرزندان، رابطه نشان داده اند (بامریند، ۱۹۹۱).

¹ Radetzki

در این راستا باقری (۱۳۹۱) الگویی جهت بررسی رابطه والدین و فرزندان ارائه کرده است. رابطه والد- فرزند عبارت است از ارتباطات بین والدین و فرزندان که حاکی از وجود اعتماد و رابطه عاطفی، برقراری گفتگو و تفاهم، کمک و همراهی والدین و همانندسازی فرزند با والدین می‌باشد (ثناپی، ۱۳۸۸؛ به نقل از طاهری، ۱۳۹۰). الگوهای ارتباط والد فرزند، متشکل از سه الگوی اصلی در روابط حاکم بین والدین و فرزندان است. این الگوها عبارت اند از ۱. الگوی ارتباط امنیت مدار، ۲. الگوی تعادلی و ۳. الگوی آزادی مدار. هر الگو از چهار زیرمقیاس تشکیل شده است. تمامی خرده مقیاس ها در چهار بعد نظم می یابند که وضعیت های مختلفی از چهار بعد ۱. ارزش ها، باورها و قواعد، ۲. حمایت در کسب تجربه، ۳. فردیت و ۴. خودپذیری هستند. به این صورت که سبک امنیت مدار شامل خرده مقیاس های انعطاف ناپذیری، کنترل و محدودیت، رسمیت و ارزش مشروط بوده و سبک آزادی مدار شامل خرده مقیاس های تزلزل/ نرمی، نازپروردگی، درهم تنیدگی، بی تفاوتی/ رهایی می باشد و سبک تعادلی در بین این دو سبک قرار دارد. پژوهش های متعددی به بررسی الگوهای ارتباطی والد-فرزند و متغیرهایی مانند سلامت روان در فرزندان پرداخته اند. فخاری و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان بررسی ارتباط والد فرزند بر سلامت روان در دختران سال اول دبیرستان های تیریز، نشان دادند که بین رابطه والد فرزند و سلامت روان همبستگی معناداری وجود دارد و میزان اختلالات افسردگی و اضطراب و بی خوابی در بین دانش آموزان دختر سال اول دبیرستان بالا است. طاهری و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی، به بررسی پیش بینی مهارتهای ارتباط بین فردی بر اساس الگوی ارتباط والد-فرزند و نگرش معنوی در نوجوانان دختر پرداختند. نتایج بررسی آنها نشان داد که از بین ابعاد نگرش معنوی، بعد نگرش معنوی به صورت معنادار و مثبتی، مهارتهای ارتباط بین فردی را پیش بینی می کند. از بین ابعاد الگوی ارتباط پدر- فرزند، بعد رسمیت و از بین ابعاد الگوی ارتباط مادر- فرزند، بعد تزلزل- نرمی به صورت معنادار و منفی مهارت های ارتباط بین فردی نوجوانان را پیش بینی می کند. بر اساس مبانی نظری و تحقیقات انجام شده در رابطه با وضعیت روانشناختی فرزندان طلاق، نوع رابطه والدی که سرپرستی فرزند را بر عهده دارد در میزان سازگاری و در نهایت بهزیستی روانشناختی آنها تاثیر زیادی دارد (حبیبی و ساجدی، ۱۳۸۵). اما مرور ادبیات تحقیق نشان دهنده عدم پژوهش کافی در این زمینه می باشد. همچنین رابطه مولفه های ارتباط والد- فرزند با سازگاری اجتماعی و مولفه های بهزیستی روانی به طور مشخص بررسی نشده و مطالعه ای در این رابطه موجود نمی باشد (پتر، ۲۰۱۰). بر این اساس با توجه به اهمیت موضوع، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه پیش بین بهزیستی روانشناختی و سازگاری اجتماعی با الگوی ارتباط والد-فرزند در فرزندان طلاق می باشد.

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق را نوجوانان با والدین مطلقه شهر همدان تشکیل می دهند که بنابر آمار اخذ شده از سازمان بهزیستی ۴۰۰۰ نفر می باشند.

نمونه، روش نمونه گیری و حجم نمونه

در این پژوهش با توجه به تعداد متغیرهای مستقل و پیش بین بر اساس قاعده اول گرین $(k + 50)$ حداقل حجم نمونه برابر با $114 = 8 * 8 + 50$ و بر اساس قاعده دوم گرین $(k + 104)$ حداقل حجم نمونه برابر با $112 = 8 + 104$ است. (بنابراین ۱۱۴ نفر را به عنوان حداقل حجم نمونه در نظر گرفتیم). برای انتخاب نمونه از جامعه مورد نظر، با مراجعه

به اداره بهزیستی شهر همدان، از بین مجتمع های خدمات بهزیستی دو مجتمع به تصادف انتخاب شد و پس از اخذ مجوز، با مراجعه به این مراکز تعدادی از نوجوانان مرتبط با مرکز به تصادف انتخاب شدند. در مجموع ۲۶۰ نوجوان با والدین مطلقه در پژوهش حاضر شرکت کردند. بنابراین روش نمونه گیری از نوع نمونه گیری تصادفی دو مرحله ای است.

روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به دو صورت کتابخانه ای و پرسشنامه ای بود. در روش کتابخانه ای با مراجعه به کتابخانه ها و مطالعه کتب، پایان نامه های مرتبط با موضوع، مقالات و فصلنامه ها اقدام به فیش برداری و سپس نسبت به تدوین پایان نامه اقدام شد. در روش میدانی نیز با بکارگیری سه پرسشنامه استاندارد، سازگاری اجتماعی، مقیاس بهزیستی روانشناختی و الگوی ارتباط والد- فرزند، نسبت به جمع آوری داده و اطلاعات به صورت میدانی اقدام گردید.

ابزار پژوهش

ابزار جمع آوری اطلاعات در این پژوهش از نوع پرسشنامه است. در این پژوهش از سه پرسشنامه به شرح زیر استفاده گردید. این پرسشنامه ها دارای روایی و پایایی می باشند.

الف. مقیاس بهزیستی روانشناختی. این مقیاس توسط کارول ریف در دانشگاه ویسکانسین ساخته شده است (ریف، ۱۹۸۹). نخستین نوشتار این ابزار توسط ریف در سال ۱۹۹۵ شامل ۱۲۱ سوال بود و در سال های بعد بر اساس پژوهش هایی که روی ویژگی های روانسنجی آن انجام شد نسخه های کوتاهتر شامل ۸۴ سوال گردید و در حال حاضر فرم کوتاه آن دارای ۱۸ سوال می باشد. فرم کوتاه آن و در سال ۱۳۷۵ توسط سیاحی و شکرکن ترجمه و هنجاریابی شد. این آزمون شش عامل را در بر می گیرد که به صورت زیر می باشد: استقلال یا خودمختاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت بادیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود. طیف نمره گذاری گویه های این پرسشنامه براساس طیف لیکرت شش گزینه ای شامل کاملاً مخالفم = ۱، تا حدودی مخالفم = ۲، کمی مخالفم = ۳، کمی موافقم = ۴ و کاملاً موافقم = ۶ می باشد. البته این شیوه نمره گذاری در مورد سوالات شماره ۱-۳-۴-۵-۹-۱۰-۱۳-۱۷ معکوس می باشد.

برای بدست آوردن امتیاز مربوطه به هر بعد مجموع امتیازات آن بعد را باهم جمع نموده و به منظور به دست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه مجموع امتیازات تک تک سوالات را محاسبه می نمایم. نمره بالاتر نشان دهنده بهزیستی روانشناختی بالاتر در خود پاسخ دهنده می باشد و برعکس. (میکائیلی، ۱۳۸۹)

بررسی روایی سازه ابزار فوق از طریق تحلیل عاملی تائیدی نشان داد، شش عامل پیشنهادی سازندگان در مقیاس با مدل های یک و سه عاملی ارزش بهتری داشته و این نمونه مورد تائید است همچنین در پژوهش خانجانی و همکاران (۱۳۹۳) نتایج تحلیل عاملی تائیدی تک گروهی نشان داد که در کل نمونه در دوجنس، الگوی شش عاملی این مقیاس از برآزش خوبی برخوردار است. همسانی این مقیاس، با استفاده از آلفای کرونباخ در ۶ عامل فوق به ترتیب برابر است با پذیرش خود ۵۱/۰، تسلط محیطی ۷۶/۰، رابطه مثبت با دیگران ۵۲/۰، داشتن هدف در زندگی ۷۳/۰، رشد شخصی و استقلال ۷۲/۰، و برای کل مقیاس ۷۱/۰ می باشد (خانجانی و همکاران، ۱۳۹۳).

در پژوهش حاضر بر اساس هدف پژوهش از نمره کلی این مقیاس استفاده گردید. پایایی این پرسشنامه به روش همسانی درونی بررسی شد. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه محاسبه گردید

جدول ضریب آلفای کرونباخ مقیاس بهزیستی روانشناختی (تعداد = ۲۶۰ نفر)

متغیر	تعداد گویه ها	ضریب آلفای کرونباخ
مقیاس بهزیستی روانشناختی	۱۸	۰/۸۰

میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه سرمایه روانشناختی برابر ۰/۸۰ به دست آمد. بنابراین این ابزار از پایایی مطلوبی برخوردار است. روایی این پرسش نامه به روش همسانی درونی با محاسبه ضرایب همبستگی بین نمره گویه های پرسشنامه با نمره کل بررسی شد. ضرایب همبستگی گویه های پرسشنامه بین تا ۰/۶۱ تا ۰/۷۶ به دست آمد که همگی در سطح ۰/۰۱ و کمتر معنادار بودند. بنابراین روایی این پرسشنامه نیز تایید شد.

ب- پرسشنامه سازگاری اجتماعی دانش آموزان. این پرسشنامه در سال ۱۹۹۳ توسط سینها و سینگ به منظور تعیین سازگاری اجتماعی، هیجانی و تحصیلی دانش آموزان ساخته شده است. در ایران قدسی احقر فرم ۵۵ سوالی این مقیاس را در نمونه ۳۰۰۰ نفری از دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی مورد بررسی قرار داده است. پرسشنامه حاضر ۵۵ گویه دارد و نمره گذاری آن به صورت صفر و یک می باشد. این پرسشنامه شامل سه مولفه سازگاری اجتماعی، سازگاری هیجانی و سازگاری تحصیلی است. نمره گذاری گویه های پرسشنامه بر اساس صفر و یک است به این صورت که در مورد سوالات زیر بلی نمره ۱ و خیر نمره صفر می گیرد. امتیاز مولفه ها از مجموع سوالات به دست می آید. البته تعدادی از سوالات معکوس می باشند. حداقل امتیاز ممکن ۱۸ و حداکثر ۹۰ خواهد بود. امتیاز به دست آمده به این صورت قضاوت می شود، نمره بین ۰ تا ۱۸ نشان دهنده ی سازگاری اجتماعی پایین دانش آموز است، نمره بین ۱۸ تا ۵۲۷۴، سازگاری اجتماعی متوسط دانش آموز را نشان می دهد و نمره بالاتر از ۲۷، بیانگر سازگاری اجتماعی بالای دانش آموز است. سازندگان آزمون ضریب پایایی این آزمون را با روش های دو نیمه کردن، بازآزمایی و کور ریچاردسون به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۹۳ و ۰/۹۴ به دست آورده اند. همچنین روایی محتوایی این آزمون را ۲۰ نفر از متخصصان روانشناسی تایید کرده اند. در پژوهش خانجانی زاده و باقری (۱۳۹۱) پایایی خرده مقیاس سازگاری اجتماعی با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ به دست آمد.

در این پژوهش از نمره کلی این مقیاس استفاده گردید. به منظور بررسی پایایی این پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه محاسبه گردید. میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه سرمایه روانشناختی برابر ۰/۷۲ به دست آمد. بنابراین این ابزار از پایایی مناسبی برخوردار است. روایی این پرسش نامه به روش همسانی درونی با محاسبه ضرایب همبستگی بین نمره گویه های پرسشنامه با نمره کل بررسی شد. ضرایب همبستگی گویه های پرسشنامه بین تا ۰/۳۶ تا ۰/۵۹ به دست آمد که همگی در سطح ۰/۰۱ و کمتر معنادار بودند. بنابراین روایی این پرسشنامه نیز تایید شد.

پرسشنامه الگوی ارتباط والد- فرزند. به منظور سنجش الگوی ارتباط والد فرزند، از پرسشنامه ۴۸ گویه ای باقری (۱۳۹۱) که پرسشنامه ای ایرانی اسلامی است، استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۴۸ سؤال در مقیاس لیکرت

پنج درجه ای (کاملاً موافقم = ۵، موافقم = ۴، نظر خاصی ندارم = ۳، مخالفم = ۲ و کاملاً مخالفم = ۱) است. این پرسشنامه هرکدام از خرده مقیاسها را با ۶ سؤال می‌سنجد. حداقل نمره در این آزمون ۶ و حداکثر نمره ۳۶ می‌باشد که نقطه برش آن نمره ۲۱ می‌باشد.

در پرسش نامه یک اظهار نظر درباره کیفیت روابط فرزند با پدر و مادر (پدر / مادر) آورده شده است. به همین جهت دو پاسخ نامه وجود داشته، یکی برای پدر و یکی برای مادر. آزمودنی هر جمله را خوانده و میزان موافقت خود را با کل هر اظهار نظر (و نه اجزای آن) درباره پدر و مادرش با علامت زدن یکی از اعداد بین ۲ تا ۵ در پاسخ نامه بیان می‌کند. در این پرسشنامه دو سبک امنیت مدار و آزادی مدار سنجیده می‌شود که دو انتهای چهار بعد را تشکیل داده و در تقابل با یکدیگر قرار دارند. هر یک از این سبک ها دارای ۴ خرده مقیاس می‌باشد. سبک امنیت مدار شامل خرده مقیاس های انعطاف ناپذیری، کنترل و محدودیت، رسمیت، ارزش مشروط، و سبک آزادی مدار شامل خرده مقیاس های تزلزل/ نرمی، نازپروردگی، درهم تنیدگی، بی تفاوتی/ رهایی است.

باقری و غفاری جعفرزادگان (۱۳۹۲) نمره پایایی کل پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفا کرونباخ را ۰/۹۶۱ و نمره جداگانه برای هر ۸ خرده مقیاس به کمک ضریب اعتبار آلفای کرونباخ را به دست آوردند. ضرایب آلفای کرونباخ مؤلفه های انعطاف ناپذیری، تزلزل/تثبوت، کنترل/محدودیت نازپروردگی، رسمیت، درهم تنیدگی، مقبولیت مشروط، رهایی، در پدران به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۵۶، ۰/۰۶۴/۷۸، ۰/۷۴، ۰/۸۲، ۰/۵۹، ۰/۶۲ و در مادران به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۵۹، ۰/۶۸، ۰/۰۷۸/۷۵، ۰/۷۸، ۰/۶۸، ۰/۶۱ توسط این پژوهشگران گزارش شده است. این پژوهشگران روایی محتوایی و صوری پرسشنامه را با نظر متخصصان و همچنین روایی سازه آن را با روش های تحلیل مؤلفه های اصلی، تحلیل گویه ها، ضریب تمیز، ضریب دشواری و روش لوپ و همچنین انجام تحلیل عاملی اکتشافی و بعد تاییدی بررسی کردند که نتایج حاکی از روایی این پرسشنامه بود.

در پژوهش حاضر با توجه به هدف پژوهش از خرده مقیاس های این سازه استفاده شد. پایایی این پرسشنامه و خرده مقیاس های آن به روش همسانی درونی بررسی شده و میزان ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از زیر مقیاس ها و کل پرسشنامه محاسبه گردید. برای برخی از خرده مقیاس ها ضریب کمتر از ۰/۳ به دست آمد با حذف گویه های نامربوط مجدداً ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شد. میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه الگوی ارتباط والد فرزند، انعطاف ناپذیری، کنترل، رسمیت، ارزش مشروط، تزلزل، نازپروردگی، درهم تنیدگی و رهایی به ترتیب برابر، ۰/۸۷، ۰/۶۴، ۰/۶۵، ۰/۶۰، ۰/۸۷، ۰/۷۷، ۰/۴۵ و ۰/۸۵ به دست آمد. بنابراین این ابزار از پایایی مناسبی برخوردار است. روایی این پرسش نامه نیز به روش همسانی درونی با محاسبه ضرایب همبستگی بین نمره گویه های پرسشنامه با نمره کل بررسی شد. ضرایب همبستگی گویه های پرسشنامه بین ۰/۳۷ تا ۰/۸۱ به دست آمد که همگی در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. بنابراین روایی این پرسشنامه مورد تایید است.

یافته ها

جدول ۱. ضریب همبستگی بین بهزیستی روانشناختی و مولفه های الگوی ارتباط والد- فرزند (تعداد = ۲۶۰)

متغیر	انعطاف-	ک	رسد	ارزش	تز	نازپرو	درهم	ر
ناپذیری	نتزل	میت	مشروط	لزل	ردگی	تنیدگی	هایی	
بهزیسد	-۰/۰۵	۰	**	۰/۱۰	*	۰/۱۹*	۰/۷۴**	۰
تی	-۰/۴	-۰/۲۶	-	-۰/۱۶	-	-۰	-۰/۲	

روانشناختی

*: سطح معنی داری ۰/۰۵ ** : سطح معنی داری ۰/۰۱

بر اساس اطلاعات جدول ۱، تنها رابطه برخی از مولفه های الگوی والد- فرزند با بهزیستی روانشناختی معنادار شد. به این صورت که ضریب همبستگی بین مولفه رسمیت و بهزیستی روانشناختی برابر (r=-۰/۲۶، p<۰/۰۱) به دست آمد که نمایانگر رابطه متوسط و منفی بین این دو متغیر می باشد. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بین این دو متغیر رد می شود (p< ۰/۰۱).

ضریب همبستگی بین مولفه تزلزل و بهزیستی روانشناختی برابر (r=-۰/۱۶، p<۰/۰۵) شد که نمایانگر رابطه ضعیف و منفی بین این دو متغیر می باشد. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بین این دو متغیر رد می شود (p<۰/۰۵).

ضریب همبستگی بین مولفه نازپروردگی و بهزیستی روانشناختی برابر (r=-۰/۱۹، p<۰/۰۵) به دست آمد که که نمایانگر رابطه ضعیف و منفی بین این دو متغیر می باشد. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بین این دو متغیر رد می شود (p<۰/۰۵).

و ضریب همبستگی بین مولفه درهم تنیدگی و بهزیستی روانشناختی برابر (r=-۰/۷۴، p<۰/۰۱) شد که نمایانگر رابطه قوی و منفی بین این دو متغیر می باشد. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بین این دو متغیر رد می شود (p<۰/۰۵).

در روش تحلیل رگرسیون چندگانه قبل از انجام تحلیل باید مناسب بودن برازش مدل رگرسیونی مورد بررسی قرار گیرد. این کار به کمک تحلیل واریانس آنوا (ANOVA) انجام می پذیرد. نتایج آنالیز واریانس در جدول ۴-۶ ذکر شده است.

جدول شماره ۲. تجزیه تحلیل ANOVA

مجموع	درجه	میانگین	F (فیشر)	ارزش معناداری
مربعات	آزادی	مربعات		

۰/۰۰۰	۵۷/۲۵۳	۱۴۱/۱۹۴ ۲/۴۶۶	۸	۵۵۳ ۱۱۲۹	رگرسیون
			۲۵۱	۱۰۰۱ ۶۱۹	باقی مانده ها
			۲۶۰	۵۵۴ ۱۷۴۸	مجموع

* متغیر ملاک: بهزیستی روانشناختی

* متغیرهای پیش بین: مولفه های الگوی ارتباط والد- فرزند

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود، مقدار آماره فیشر (F) برابر با عدد ۵۷/۲۵۳ با ارزش معناداری ۰/۰۰۱ به دست آمده است در نتیجه می توان گفت مدل رگرسیونی از برازش مناسبی برخوردار است. در ادامه ضرایب ثابت و ضریب رگرسیون ارائه شده است.

جدول شماره ۳. ضرایب و معناداری رگرسیون جهت پیش بینی بهزیستی روانشناختی از روی مولفه های والد-

فرزند

سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد شده	ضرایب غیر استاندارد (b)		مدل
			خطای	بی (b)	
۰/۰۰۰	۹/۲۶۵		۰/۹۹۳	۹/۲۰۲	ضریب
-۰/۱۱۱	-۱/۵۹۹	-۰/۲۷	۰/۱۴۰	-۰/۲۲۳	۱- انعطاف
۰/۰۰۰	-۴/۳۷۲	-۰/۲۱	۰/۰۴۸	-۰/۲۱۲	۲- رسمیت
۰/۳۱۷	-۱/۰۰۲	-۰/۰۳۱	۰/۰۲۶	-۰/۰۲۶	۳- کنترل
۰/۰۲۹	-۲/۲۰۲	-۰/۲۰	۰/۰۹۹	-۰/۲۱۸	۴- ارزش
۰/۱۴۲	-۱/۴۷۲	-۰/۱۶	۰/۰۸۲	-۰/۱۲۱	۵- تزلزل
۰/۰۳۴	-۴/۹۹۷	-۰/۱۸	۰/۰۸۳	-۰/۲۰۶	۶-
۰/۰۰۰	-۱۲/۴۹۵	-۰/۶۳	۰/۰۶۷	-۰/۸۳۱	۷- درهم
۰/۰۶۰	-۱/۸۸۸	-۰/۳۱	۰/۱۶۸	-۰/۳۱۷	۸- رهایی

متغیر ملاک: بهزیستی روانشناختی

نتایج مندرج در جدول ۴-۷ نشان می دهد ضرایب رگرسیون استاندارد شده (β) برای مولفه های رسمیت (0.21) = β ، ارزش مشروط (0.20) = β ، نازپروردگی (0.18) = β و درهم تنیدگی (0.63) = β با توجه به مقدار t و ارزش معناداری (sig) متغیرها که کمتر از 0.01 بود، منفی و معنادار است. بنابراین این مولفه ها می توانند تغییرات متغیر بهزیستی را با اطمینان 0.99 تبیین کنند. ضرایب دیگر مولفه ها معنادار نشد بنابراین سهمی در تبیین تغییرات بهزیستی روانشناختی ندارند. بر اساس ضرایب رگرسیون، اگر يك واحد به میزان رسمیت اضافه شود مقدار 0.21 از میزان بهزیستی روانشناختی کم می شود. همچنین افزودن یک واحد به ارزش مشروط موجب کاهش 0.20 از بهزیستی روانشناختی شده، افزودن یک واحد به نمره نازپروردگی به کاهش 0.18 از نمره بهزیستی روانشناختی منجر شده و اضافه کردن یک واحد به نمره درهم تنیدگی موجب کاهش 0.63 از نمره بهزیستی روانشناختی می شود. بنابراین می توان گفت مولفه های رسمیت، ارزش مشروط، نازپروردگی و درهم تنیدگی در ارتباط والد- فرزند بر بهزیستی نوجوانان والدین مطلقه شهر همدان اثر منفی دارد. واریانس تبیین شده بهزیستی روانشناختی توسط مولفه های الگوی ارتباط والد- فرزند نیز محاسبه شد (۴).

جدول شماره ۴ . میزان واریانس تبیین شده بهزیستی روانشناختی توسط مولفه های والد- فرزند

مدل	همبستگی چندگانه (R)	واریانس تبیین شده (R^2)	واریانس تبیین شده تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان	۰/۸۰۴	۰/۶۴۶	۰/۶۳۵	۱/۵۷۰۳۹

* متغیر ملاک: بهزیستی روانشناختی

* متغیرهای پیش بین: مولفه های الگوی ارتباط والد- فرزند

بر اساس نتایج جدول ۴ مولفه های الگوی ارتباط والد- فرزند 65 درصد از تغییرات بهزیستی روانشناختی را تبیین کردند.

خروجی های تحلیل رگرسیون نشان داد شاخص های VIF برای متغیرهای مستقل کمتر از $10(8.06)$ و Tolerance آنها بالاتر از $0.1(0.606)$ می باشد. بنابراین همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش بین وجود نداشت. همچنین نمودار پراکندگی باقیمانده ها نشان دهنده خطی بودن رابطه بین متغیرهای پژوهش بود (نمودارهای ۴-۳ و ۴-۴)

جدول ۵ . ضریب همبستگی بین سازگاری اجتماعی و مولفه های الگوی ارتباط والد- فرزند (تعداد= ۲۶۰)

متغیر	انعطا فن‌پذیری	کنت رل	رسد میت	ارز ش‌مشروط زل	تزلز ردگی	نازپرو هم تنیدگی	در ایبی	ره
سازگاری	۰/۰۷۵	*	۰/۰۲	۰/۰۸۳	۱۱	۰/۰۶۵	۱۰	۰/۰۸
-اجتماعی	-۰	-۰/۱۴۵	-۰/۰۳	-۰/۰۱	-۰/۰۵	-۰	-۰/۰۸	-۰/۰۲

*: سطح معنی‌داری ۰/۰۵ ** : سطح معنی‌داری ۰/۰۱

بر اساس اطلاعات جدول ۴-۹ تنها مولفه کنترل از الگوی والد- فرزند با سازگاری اجتماعی معنادار شد. به این صورت که ضریب همبستگی بین مولفه کنترل و بهزیستی روانشناختی برابر $(r=-0/145, p<0/01)$ به دست آمد که نمایانگر رابطه منفی و ضعیف بین این دو متغیر می باشد. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بین این دو متغیر رد می شود $(p<0/01)$.

ضریب همبستگی بین مولفه تزلزل و بهزیستی روانشناختی برابر $(r=-0/16, p<0/05)$ شد که نمایانگر رابطه ضعیف و منفی بین این دو متغیر می باشد. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بین این دو متغیر رد می شود $(p<0/05)$.

جدول شماره ۶. تجزیه تحلیل ANOVA

ارزش معناداری	F (فیشر)	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۲۰	۵/۵۱۵	۱۳۸/۱۲۵ ۲۵/۰۴۸	۱	۱۲۵ ۱۳۸	رگرسیون
			۲۵۸	۲۷۵ ۶۴۶۲	باقی مانده ها
			۲۵۹	۴۰۰ ۶۶۰۰	مجموع

جدول شماره ۷. ضرایب و معناداری رگرسیون جهت پیش بینی سازگاری اجتماعی از روی مولفه های والد- فرزند

سطح معناداری	T	ضرایب غیر استاندارد (b)		مدل
		ضرایب استاندارد شده بتا (β)	خطای بی (b)	
۰/۰۰۰	۲۱/۷۴۳		۰/۹۴۲ ۲۰/۴۸۹	ضریب

کنترل	-۰/۱۶۷	۰/۰۷۱	-۰/۱۴۵	-۲/۳۴۸	۰/۰۲۰
-------	--------	-------	--------	--------	-------

متغیر ملاک : سازگاری اجتماعی

نتایج مندرج در جدول ۷ نشان می دهد ضریب رگرسیون استاندارد شده برای مولفه کنترل ($\beta = -۰/۱۴۵$) به دست آمد. با توجه به مقدار t و ارزش معناداری (sig) متغیرها که کمتر از ۰/۰۱ بود، منفی و معنادار است. بنابراین این مولفه می تواند تغییرات متغیر سازگاری اجتماعی را با اطمینان ۰/۹۵ تبیین کند. ضرایب دیگر مولفه ها معنادار نشد بنابراین سهمی در تبیین تغییرات سازگاری اجتماعی ندارند. بر اساس ضرایب رگرسیون، اگر يك واحد به میزان کنترل اضافه شود مقدار ۰/۱۴۵ از میزان سازگاری اجتماعی کم می شود. واریانس تبیین شده سازگاری اجتماعی توسط مولفه کنترل از الگوی ارتباط والد- فرزند نیز محاسبه شد

جدول شماره ۸ میزان واریانس تبیین شده سازگاری اجتماعی توسط مولفه های والد- فرزند

مدل	همبستگی چندگانه (R)	واریانس تبیین شده (R^2)	واریانس تبیین شده تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
تحلیل رگرسیون چندگانه به روش روبه جلو	۰/۱۴۵	۰/۰۲۱	۰/۰۱۷	۵/۰۰۴۷۶

* متغیر ملاک: بهزیستی روانشناختی

* متغیرهای پیش بین : کنترل

بر اساس نتایج جدول ۸ مولفه کنترل از الگوی ارتباط والد- فرزند، ۲ درصد از تغییرات سازگاری اجتماعی را تبیین کردند. خروجی های تحلیل رگرسیون نشان داد شاخص های VIF برای متغیرهای مستقل کمتر از ۱۰ (۹/۰۳) و Tolerance آنها بالاتر از ۰/۱ (۰/۱۱۱) می باشد. بنابراین همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش بین وجود نداشت.

جدول شماره ۹ وضعیت بهزیستی روانشناختی نوجوانان با والدین مطلقه شهر همدان (تعداد=۲۶۰)

متغیر	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	میانگین آماری	تفاوت میانگین	مقدار t آزادی درجه	سطح معناداری
بهزیستی روانشناختی	۵۹/۶۸	۵/۰۸	۵۱	۶۷۴ ۸/	۴۷ ۲۷/۱	۰/۰۰۰ ۲۵۹

بر اساس داده های جدول ، میانگین بهزیستی روانشناختی در نوجوانان ۵۹/۶۸ بدست آمده که به طور معناداری بیشتر از میانگین آماری (۹) است. بنابر این نتیجه می گیریم که میزان بهزیستی روانشناختی در نوجوانان کمی بیشتر از حد متوسط می باشد.

جدول شماره ۱۰ وضعیت سازگاری اجتماعی نوجوانان با والدین مطلقه شهر همدان (تعداد=۲۶۰)

متغیر	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	میانگین آماری	تفاوت میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
سازگاری اجتماعی	۲۵	۲/۹۸	۲۷	-۲/	-۱۰/	۲۵۸	۰/۰۰۰

بر اساس داده های جدول ، میانگین سازگاری اجتماعی در نوجوانان ۲۵ بدست آمده که به طور معناداری کمتر از میانگین آماری است. بنابر این نتیجه می شود که میزان سازگاری اجتماعی در نوجوانان کمی کمتر از حد متوسط می باشد

بحث و نتیجه گیری

خانواده نخستین و پایدارترین نهاد تاثیرگذار بر رشد روانی و اجتماعی و هیجانی فرزندان می باشد. در واقع خانواده بنیادیترین زمینه را برای رشد روانی-اجتماعی نوجوان ایجاد کرده و روابط خانوادگی یک عامل حفاظتی قوی برای او به شمار می رود (کرمی، شهرستانی، توانایی و آسیایی، ۱۳۹۱). ارتباط با خانواده در مقایسه با ارتباط با دوستان همبستگی بیشتری را با معنا و هدف در زندگی نشان می دهد (برونک^۲، ۲۰۱۴). رابطه با والدین به عنوان یکی از عوامل مهم در بهزیستی روانشناختی نوجوانان شناخته شده است. اساساً تحول روانشناختی نوجوان در خلال روابط شکل می گیرد و انزوا و ناکامی مزمن در روابط زمینه ساز رنج روانشناختی است. تعامل مثبت با اطرافیان در قالب روابط اجتماعی امکان تجربه فعالیت های مشترک و خوشایند را فراهم ساخته و از سوی دیگر در فرایند شکل گیری هویت به نوجوان کمک می کند که درکی عمیق تر از خود و دنیای اطرافش داشته باشد (تقوی، آزاد فلاح، موتابی و طلایی، ۱۳۹۴). طلاق به عنوان یک پدیده ناخوشایند اجتماعی بنیان خانواده را متزلزل می کند و اثرات مخربی بر رشد روانی، اجتماعی و هیجانی دارد. با توجه به اینکه بیشترین پیامدهای منفی بر فرزندان بویژه نوجوانان وارد می شود لازم است پژوهش های متعددی در جهت افزایش سازگاری و بهزیستی روانشناختی فرزندان طلاق انجام شود. مرور ادبیات پژوهشی طلاق حاکی از کمبود این پژوهش ها بویژه پژوهش های داخلی است. در فراتحلیلی که توسط یحیی زاده و حامد (۱۳۹۴) به منظور بررسی مسایل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات انجام شده انجام شد، نتایج

² Bronk

نشان داد پژوهش های داخلی بیشتر بر سلامت روان توجه داشته‌اند و متغیرهایی از جمله سازگاری این فرزندان بعد از طلاق و سطح بهزیستی روانشناختی آن‌ها مورد غفلت قرار گرفته است. در این راستا با توجه تاثیر رابطه این فرزندان با والد سرپرست آنها بر متغیرهای مذکور در پژوهش حاضر رابطه بین این متغیرها و همچنین وضعیت آنها بررسی می‌شود. نتایج این پژوهش علاوه بر غنی سازی ادبیات تحقیق به لحاظ کاربردی برای مشاورین و مربیان پرورشی در مدارس و مراکز بهزیستی و مشاوره مفید می‌باشد. بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان مهارت های آموزشی لازم برای والد های سرپرست فرزندان طلاق، در جهت ایجاد رابطه مطلوب با فرزندان تدارک دید. همچنین با آموزش مهارت های زندگی به فرزندان طلاق، سازگاری اجتماعی و بهزیستی روانشناختی آنها را افزایش داد و به این ترتیب پیامدهای منفی و آسیب های طلاق را کاهش داد نتایج نشان داد از بین مولفه های الگوی ارتباط والد- فرزند، مولفه های رسمیت، تزلزل، نازپروردگی و درهم تنیدگی بهزیستی روانشناختی نوجوانان را به طور منفی پیش بینی کردند. همچنین از بین مولفه های الگوی ارتباط والد- فرزند، تنها مولفه کنترل توانست سازگاری اجتماعی نوجوانان را به طور منفی پیش بینی کند. بنابراین نتیجه می‌شود در خانواده های طلاق، نحوه ارتباط والد سرپرست، بر بهزیستی روانشناختی و سازگاری نوجوانان تاثیر می‌گذارد و هرچه سبک والدگری سهل گیرتر، بدون قاعده و یا سرد و رسمی باشد بهزیستی روانشناختی نوجوانان کمتر می‌شود. همچنین کنترل و نظارت افراطی موجب کاهش سازگاری آنها می‌شود. با توجه به تاثیر منفی مولفه های سبک والد - فرزندی آزادی مدار و امنیت مدار بر بهزیستی روانشناختی، به والدین و نهادهای مسئول توصیه می‌شود:

- والدینی که طلاق گرفته اند توجه کافی به احساسات فرزندان خود داشته باشند، ساعاتی از روز را با آنها بگذرانند، با آنها صحبت کنند، آنها را در آغوش بگیرند و به صحبت هایشان گوش دهند و از خواسته ها و نیازهایشان آگاه شوند و تا حد معقول آنها را برطرف کنند. در این صورت خلا عاطفی نوجوانانشان تا حدودی رفع می‌شود و احساس شادی و رضایت در زندگی خواهند کرد.

- نهادهای مرتبط با خانواده از جمله بهزیستی و شهرداری، با در نظر گرفتن خانواده های طلاق، این خانواده ها را تحت حمایت همه جانبه از جمله حمایت عاطفی قرار دهند. با اطلاع از وضعیت مالی این خانواده ها و کمک به آنها فشارهای اقتصادی آنها را که موجب مشکلات بیشتر می‌شود را کم کنند. همچنین با برگزاری کارگاههای آموزشی برای والد سرپرست خانواده، نحوه برخورد صحیح با فرزندان بویژه نوجوانان را در این خانواده ها آموزش دهند و روابط بین فردی در این خانواده ها را بهبود ببخشند. با توجه به تاثیر منفی کنترل والد بر سازگاری اجتماعی نوجوانان، به والدین و نهادهای مسئول خانواده توصیه می‌شود:

- والد سرپرست نوجوان از کنترل شدید و محدودیت افراطی نوجوانان خود بپرهیزند.
- با گسترش روابط بین فردی خانواده و نوجوان با دوستان و همسالان در جهت بهبود تعاملات اجتماعی فرزندان خود بکوشند. با توسعه روابط اجتماعی نوجوانان یادمی گیرند تعاملات اجتماعی خود را به نحو سازش یافته ای تنظیم کنند و علاوه بر برقراری روابط خوب و سازنده با دیگران نیازهای اجتماعی خود را برطرف سازند.

نهادهای مربوط به خانواده از جمله بهزیستی امکان مشاوره رایگان برای والد سرپرست و نوجوانان در خانواده های طلاق را فراهم سازند

منابع

- اسحاقی، محمد و همکاران (۱۳۹۱). سنجش عوامل اجتماعی موثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران، زن در توسعه و سیاست، ۱۰(۳)، ۹۷-۱۲۴.
- باقری، ف. (۱۳۹۱). الگوی ارتباط والد فرزند، مدل نظری فرزندپروری بر مبنای هستی شناسی و انسان شناسی اسلامی. دو فصلنامه پژوهشی مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی. ۱(۱). ۱۰-۲۳.
- تقی زاده، اکرم؛ اقدستا، الهام و بشارت، محمدعلی (۱۳۹۴). رابطه سبکهای فرزند پروری ادراک شده والدین با بهزیستی روانشناختی و درماندگی روانشناختی فرزندان، همایش ملی روانشناسی و مدیریت آسیب های اجتماعی، چابهار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار.
- کاظمیان، سمیه؛ اسماعیلی، معصومه (۱۳۹۱). اثربخشی خودمتمایز سازی بر افزایش میزان سازگاری در نوجوانان خانواده های طلاق. پژوهش های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۲ (۱)، ۱۴۳-۱۵۲.
- کرمی، ابوالفضل، شهرستانی، ملیحه، توانایی یوسفی، سمیرا، آسیابی، مینا (۱۳۹۱). الگوهای ارتباطی خانواده و مهارت های مقابله با استرس به عنوان پیش بین های استعمال دخانیات در نوجوانان پسر سیگاری و غیر سیگاری ۱۳ تا ۱۸ سال شهر مشهد. فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبایی. ۲ (۷)، ۱۲۵-.
- زارعان، منصوره، سدیدپور، سمانه سادات (۱۳۹۵). فراتحلیل تحقیقات مربوط به طلاق: رویارویی عوامل فردی و اجتماعی. بررسی مسایل اجتماعی ایران، ۷ (۲)، ۱۹۱-۲۱۸.
- یحیی زاده، حسین؛ حامد، محبوبه (۱۳۹۴). مسایل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فراتحلیل مقالات موجود. مطالعات زن و خانواده، ۳(۲).
- شهنی بیلاق، م.، عالی پور، س.، پایندان، ط. و بهروزی، ن. (۱۳۹۰). مقایسه ی تاب آوری، سلامت عمومی، پرخاشگری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دبیرستانی خانواده های طلاق و عادی شهر اهواز با کنترل وضعیت اجتماعی- اقتصادی. مجله مشاوره کاربردی. ۱ (۱)، ۷۹-۱۰۴.
- قمری گیوی، حسین و خشنودنیای چماچایی، بهنام (۱۳۹۵). مقایسه سازگاری اجتماعی، سلامت روانی و عملکرد تحصیلی در فرزندان با والدین مطلقه، متقاضی طلاق و عادی فصلنامه خانواده پژوهی، ۱۲(۴۵)، ۶۹-۹۲.
- عبدی، م.ر.، پور ابراهیم، ت. و نظری، ع. (۱۳۹۲). تاثیر برنامه ای مداخله ای کودکان طلاق بر میزان سازگاری آن ها با طلاق والدینشان. خانواده پژوهی، ۹(۳۵)، ۳۴۳-۳۵۸.
- غیاثی، پروین معین، لادن و روستا، لهراسب (۱۳۸۸). بررسی علل اجتماعی گرایش یه طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده ی شیراز، فصلنامه زن و جامعه، سال اول، شماره
- مشکی، مهدی، شاه قاسمی، زهره، دلشاد نوقانی، علی، مسلم، علیرضا. (۱۳۸۰). بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه ی شهرستان گناباد در سال های ۸۸-۱۳۸۷، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی گناباد، ۱۷ (۱).

یونسی، فلورا، معین، ل. و شمشیری نیا، ت. (۱۳۸۹). مقایسه سلامت روان، عزت نفس و مسئولیت پذیری دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی خانواده های طلاق و عادی شهرستان فیروزآباد، سال تحصیلی ۷۷-۸۷. فصلنامه زن و جامعه، ۱ (۲)، ۷۹-۹۵

References

Amato, P. R., & Sobolewski, J. M. (2001), The effects of divorce and marital discord on adult children's psychological well-being. *American Sociological Review*, 66, 900-921

Bronk, K. C. (2014). Purpose across the Lifespan. In *Purpose in Life* (pp. 69-89). Springer Netherlands.

Charles, R. (2011). Is there any empirical support for Bowen's concept of differentiation of self, triangulation, and fusion?. *The American journal of family therapy*, 29, 279-292.

Igbal, M. & et al (2021). Parental Divorce: Impact on Socio-Psychological Behavior and Academic Performance of Students in Teacher's Perception. *Journal of Divorce & Remarriage*. Volume 62, Issue 6

Ismail, J. (2021). Description of the Impact of Divorce on the Psychic Condition of Children. *Journal of Sciamedica*. Vol. 1 No. 1

Parker, J. & et al (2021). Why women choose divorce: An evolutionary perspective. *Current Opinion in Psychology* Volume 43, Pages 300-306

Potter, D. (2010). Psychosocial well-being and the relationship between divorce and children's academic achievement. *Journal of Marriage and Family*, 72, 933-946

Ryff (2014). Psychological Well-Being Revisited: Advances in the Science and Practice of Eudaimonia. *Psychotherapy and psychosomatics*, 83 (1): 10-28.

Radetzki, P & et al (2021). The implications of high-conflict divorce on adult-children: Five factors related to well-being. *Journal of Family Studies*, Volume 27, Issue 3